

یاد بگیرید که مزامیر را دوست داشته باشید

درس ۸، مزمور ۸۱: کلام مرکزی

رابرت گادفری

خُب، حالا من سعی کردم تا حدودی شما رو با کتاب مزامیر آشنا کنم، حالا وقتشه که یه سؤال بپرسم. استادها معمولاً این کار رو می‌کنند. مهم‌ترین مزمور در کتاب مزامیر کدومه؟ احتمالاً این یه سؤال بده. احتمالاً پاسخ‌های خوب زیادی برای این سؤال بد وجود داره، اما به نظرم می‌شه گفت از یک لحاظ، مهم‌ترین مزمور کتاب مزامیر، مزمور ۸۱ هست.

پس می‌خوام در این جلسه، مزمور ۸۱ رو بررسی کنیم، چون این مزمور اصلی کتاب مزامیره. ما گفتیم که در شعر عبری، همیشه وسط شعر، مهمه. حالا می‌دونم به چی فکر می‌کنید، «بیچاره دکتر گادفری پیر. می‌دونی. او حتی نمی‌دونه که ۸۱ نمی‌تونه وسط ۱۵۰ باشه.» باشه، بذارید الان از خودم دفاع کنم.

پنج تا کتاب در کتاب مزامیره، درسته؟ این فقط تفسیر من نیست، این چیزیه که در کتاب مقدس می‌بینیم. وسط پنج، سه هست. پس سومین کتاب مزامیر، کتاب اصلی مزامیره؛ در واقع، موضوع بحران، به‌نوعی موضوعی هست که کل مزامیر حول محور اون می‌چرخه. رفع بحران قوم خدا: «خدا کجاست؟» ۱۷ مزمور در کتاب سوم کتاب مزامیره، یعنی مزمور نهم از کتاب سوم، وسط کتاب مزامیره. من درست می‌گم، چه شما با من موافق باشید یا نباشید. این درسته.

پس اگه این وسط کتاب مزامیره و اینجا این مهمه، ما باید انتظار داشته باشیم که این مزمور، خیلی مهم باشه و همین‌طور هم هست. به‌نوعی، این کل تاریخ فدییه رو توضیح می‌ده و قطعاً کل تاریخ اسرائیل رو توضیح می‌ده و اصل تنظیم‌کننده‌ی موضوع کتاب مزامیر و عهدعتیق و کتاب مقدسه. این باعث می‌شه که نسبتاً مهم باشه. در وسط این مرکز، یه مرکز هست و اون، قسمت دوم آیه‌ی ۸ هست. به نظرم، این واقعاً اصل مطلبه.

«ای اسرائیل اگر به من گوش دهی!» «ای اسرائیل اگر به من گوش دهی.» «ای اسرائیل اگر به من گوش دهی.» «ای آدم اگر به من گوش دهی!» «ای ابراهیم اگر به من گوش دهی!» «ای اسرائیل اگر به من گوش دهی!» «ای کلیسا اگر به من گوش دهی!»

واقعاً فاجعه‌ی دوران رو در این سؤال و درخواست می‌بینیم، «اگر به من گوش دهی.» البته این انعکاس چیزی هست که تا امروز، یکی از لحظات اصلی جلسات کنیسه‌ی یهودیه که تشنیه ۶ رو می‌خوندند، مخصوصاً آیه‌ی ۴: «ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است. پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.»

ای اسرائیل بشنو، «شما». «ای اسرائیل بشنوا!» این در مزمور ۸۱ قسمت دوم آیه‌ی ۸ طنین‌اندازه، «ای اسرائیل اگر به من گوش دهی»، اگر به من گوش دهی. پس این به مزمور خیلی مهمه؛ بعد که بیشتر اینو بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شیم که این در مرکز تقویم نیایشی اسرائیله.

همیشه به نظرم شگفت‌انگیزه که کتاب مقدس فرض می‌کنه که ما کتاب مقدس رو می‌شناسیم. من خیلی تعجب می‌کنم که در عهد جدید، مخصوصاً در بخش‌هایی از انجیل، نویسندگان فرض می‌کنند که همه‌ی ما به‌خوبی با کتاب تثنیه آشنا ایم. موضوع غم‌انگیز اینه که ما آشنا نیستیم، اکثر ما کتاب تثنیه رو به‌خوبی نمی‌شناسیم. پس ارجاعاتش رو درک نمی‌کنیم. پیشینه رو درک نمی‌کنیم. اساسی اتفاقات رو درک نمی‌کنیم و این می‌تونه به‌راحتی اینجا اتفاق بیفته. به آیات اول مزمور ۸۱ نگاه کنید: «ترنم نمایید برای خدایی که قوت ماست. برای خدای یعقوب آواز شادمانی دهید! سرود را بلند کنید و دف را بیاورید و بربط دلنواز را با رباب!»

خُب، این یک ستایش نسبتاً سنتی هست. واقعاً چیز منحصر به فردی در کتاب مزامیر نیست؛ اما الان به آیه‌ی ۳ نگاه کنید: «کرنا را بنوازید در اول ماه، در ماه تمام و در روز عید ما.» خُب، این کی هست؟ ماه نو و ماه کامل در تقویم نیایشی اسرائیل چه زمانی مهمه؟ فقط یک ماه در سال، ماه نو و ماه کامل برای اسرائیل اهمیت داره. این ماه هفتم در تقویم سالیانه‌ی اسرائیله و ماه نو، آغاز سال جدید در تقویم نیایشی هست.

بعد ماه کامل، عید خیمه‌هاست که یادآور جمع‌آوری محصول و زندگی در خیمه و بیابان، در سفر به‌سوی سرزمین موعوده. پس این نسبتاً مهمه. تقسیم‌بندی سال نو و عید خیمه‌ها، یکی از مهم‌ترین اعیاد چرخه‌ی نیایشی سالیانه‌ی اسرائیله. اما می‌دونید، یک عید دیگه هم هست که واقعاً عید نیست، بلکه روز روزه هست و بین ماه نو و ماه کامل در ماه هفتم قرار می‌گیره. این روز کفاره هست. پس اینجا به وسط سال پرستش می‌رسیم که اسرائیل، سال نو رو به یاد میاره، خدای خالق، خدای احیاکننده، روز کفاره، خدای بخشاینده و بعد عید خیمه‌ها، خدای مهیاکننده و محافظت‌کننده. اینجا لازم نیست درباره‌ی روز کفاره صحبت کنیم، چون هر اسرائیلی بلافاصله متوجه می‌شد که این مراجع به کل دوران این یک ماه اشاره می‌کنه. پس در وسط این مزمور، به لحظه‌ی اصلی سال پرستشی اسرائیل می‌رسیم که مرکزش، بیش از هر چیزی، در روز کفاره هست.

اسرائیل در این زمان یادبود، جشن و پرستش، برای چه کاری فراخوانده شده؟ فراخوانده شده که گوش کنه، به یاد بیاره که باید قوم شنوا باشه. این در آیه‌ی ۸ بیان شده: «ای قوم من بشنو و تو را تأکید می‌کنم. و ای اسرائیل اگر به من گوش دهی.» بعد دوباره در آیه‌ی ۱۳ ادامه می‌ده: «ای کاش که قوم من به من گوش می‌گرفتند و اسرائیل در طریق‌های من سالک می‌بودند.» این درخواست خدا از قومشه. کلامی که خدا می‌خواد قومش بشنوند، چیه؟ خُب، این به‌طور خلاصه در این مزمور به ما گفته شده. اول از همه، کلمه‌ی رهایی هست.

خدا رهایی‌دهنده و خدای نجات‌دهنده‌آس. به آیه‌ی ۶ و ۷ نگاه کنید: «دوش او را از بار سنگین آزاد ساختم و دست‌های او از سبدها جدا شد. در تنگی استدعا نمودی و تو را خلاصی دادم. در ستر رعد، تو را اجابت کردم.» در اینجا دوباره ذهن ما رو به خروج برمی‌گردونه، درسته؟ اون‌ها در مصر برده بودند. باید سبدها را حمل می‌کردند. باید بارها رو روی شونه‌هاشون حمل می‌کردند تا برای فرعون اجر بسازند.

خداوند می‌فرماید: «من تو را از این خلاصی دادم». در آیه‌ی ۱۰، واضح‌تر می‌گه: «من یهوه خدای تو هستم که تو را از زمین مصر برآوردم. دهان خود را نیکو باز کن و آن را پُر خواهیم ساخت.» اگه من تونستم تو رو از مصر بیرون بیارم، پس می‌تونم دهانت رو پُر کنم.

دوباره به نحوه‌ی کارکرد شعر توجه کنید، اینکه بیشتر با ایما و اشاره صحبت می‌کنه، نه به‌طور مستقیم. وقتی می‌گه: «تو را از زمین مصر برآوردم»، بی‌پرده صحبت می‌کنه، اما اون‌ها از حرف‌های قبلی‌اش می‌دونستند درباره‌ی چی صحبت می‌کنه. «من بارها رو از روی شونه‌هاشون برمی‌دارم.» ببینید، از ما دعوت شده به این موضوع فکر کنیم. این مفهوم واقعی‌اش چیه؟ پس این تصویر فوق‌العاده رو دارید که اینجا نشون داده شده و از ما دعوت می‌کنه به مفهوم برداشتن بارها از شونه‌هامون فکر کنیم. آیا این یه تصویر زنده نیست؟ غالباً ما خیلی پرمشغله‌ایم و نمی‌تونیم شعر بخونیم.

می‌خواهیم به‌سرعت به‌سراغ مفهوم واقعی بریم. حُب، مفهوم واقعی می‌تونه با کلمات دیگه مطرح بشه، اما ما لطافت، عمق مفهوم، احساس موجود در پیغام رو از دست می‌دیم. پس اینجا کلام رهایی رو داریم که از ما دعوت می‌کنه در موردش تعمق کنیم. این رهایی، نه‌تنها رهایی از گذشته، بلکه رهایی‌ای هست که در اینجا وعده داده شده. کلمه‌ی «تعمق کردن»، در مورد آینده‌آس. آیه‌ی ۱۴، «آنگاه دشمنان ایشان را به‌زودی به زیر می‌انداختم.» اگر به من گوش می‌کردند، به‌زودی دشمنانشون رو به زیر می‌انداختم؛ آیه‌ی ۱۶، «ایشان را به نیکوترین گندم می‌پرورد؛ و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم.» حالا این وعده‌ی برکت و رهایی آینده و گذشته‌آس.

بعد اینجا کلام هدایت‌کننده رو می‌بینیم. نه‌تنها کلام رهایی، بلکه می‌تونیم بگیم کلام عادل‌شمردگی و تقدیس هم هست. کلامی برای طرز زندگی. کلامی برای هدایت اون‌ها در مسیرشون؛ و اولین کلامش اینه که باید به کلام خدا گوش کنند. باید به کلام او تکیه کنند. باید به کلام او اعتماد کنند. شکایت بزرگ این مزمور، آیه‌ی ۱۱ هست، چون یادتونه، این بحران کتاب سوّمه؛ «لیکن قوم من سخن مرا نشنیدند و اسرائیل مرا ابا نمودند.» حالا به‌خاطر همین یه بحرانی هست. این به‌نوعی، اصل و توضیح بحرانی هست که اسرائیل باهاش مواجه شده. به نظر، این کنجکاوای رو ایجاد می‌کنه که در وسط بحران اسرائیل، در وسط کتاب مزامیر، یه شکایتی درباره‌ی پرستش هست. این بر کلّ عهدعتیق صدق می‌کنه و در عهدجدید هم اهمیت داره.

معیار خدا برای سنجش وفاداری قومش اینه که آیا اون‌ها خدا رو به طریقی که آژشون خواسته شده، پرستش می‌کنند. انگار خدا می‌گه، «من فهرست کامل شریعت اخلاقی رو به شما دادم، اما اگه فقط یه آزمون نمایانگر ساده رو برای سنجش کارهاتون می‌خواید، به طرز پرستشون نگاه کنید.» به نظرم، خدا می‌گه: «اگه به روش من پرستش نکنید و مصرانه به روش خودتون من رو پرستش کنید، چطور می‌تونید از چیزهای دیگه‌ای که آژتون خواستم اطاعت کنید؟ اگر در حضور من، وقتی به دیدارم می‌آیید و با من مشارکت دارید، اطاعت نمی‌کنید، چطور می‌تونید در جای دیگه اطاعت کنید؟ پس پرستش به‌دفعات در کتاب مقدس به‌عنوان موضوع بسیار مهم و اصلی مطرح شده.

آیه‌ی ۴، «زیرا که این فریضه‌ای است در اسرائیل و حکمی از خدای یعقوب.» فریضه‌ی اسرائیل چیه؟ قانون خدای یعقوب چیه؟ خُب، اینه که اون‌ها باید در ماه نو شیپور رو بنوازند و در ماه کامل شیپور رو بنوازند و روز کفاره‌ی خدا رو طوری که مقرر کرده، رعایت کنند. خُب، ما در ماه نو مشغولیم. ما کارهای دیگه داریم. می‌شه روز بعدش این کارها رو بکنیم؟ ما شیپور نداریم. اشکالی نداره از فلوت استفاده کنیم؟ می‌دونید، این ظاهراً احمقانه به نظر می‌رسه، این‌طور نیست؟ زندگی‌ات رو جمع‌وجور کن تا برای ماه نو آماده باشی. یه شیپور داشته باش؛ اما چیزی که مکرراً می‌بینیم، اینه که اسرائیل نمی‌خواد صریح‌ترین فرامین خدا رو نگه داره.

به‌نوعی می‌تونیم بگیم، صریح‌ترین فرمان خدا درباره‌ی پرستش چیه؟ حالا شاید این سؤال غیرمنصفانه باشه؛ اما قطعاً یکی از صریح‌ترین فرامین خدا درباره‌ی پرستش اینه که نباید تصویری از خدا بسازند. اون‌ها مرتباً این ساده‌ترین فرمان رو زیر پا گذاشتند. این فرمانی هست که به نظرتون می‌تونستید رعایت کنید: هیچ تصویری نسازید. عزیزان، این چقدر سخته؟ ولی اسرائیل بارها در این قسمت لغزش خورد. «خُب، خدایا، مگه نمی‌دونی که ما واقعاً یه تصویر می‌خوایم؟ این خیلی کمک می‌کنه. ما چیزی برای دیدن، لمس کردن و بررسی کردن داریم. این تصویر به ما کمک می‌کنه که بدونیم تو واقعاً با ما هستی. این ما رو مثل بقیه‌ی کسانی می‌کنه که یه تصویر دارند. خدایا، این چیز بزرگی نیست؟ این کمکمون می‌کنه. احساس بهتری می‌کنیم. قطعاً تو از ما می‌خوای احساس بهتری داشته باشیم.» اما خدا می‌گه، «نه! من به احساستون در این مورد علاقه‌ای ندارم. بهتره هیچ تصویری نداشته باشید، چون اگه یه تصویر داشته باشید، من ناراحت می‌شم.»

پس پرستش، واقعاً موضوع مهمی هست و کلام، پرستش اون‌ها رو هدایت می‌کنه و اون‌ها گوش نمی‌کنند. این خیلی مهمه. به آیه‌ی ۹ نگاه کنید: «در میان تو خدای غیر نباشد و نزد خدای بیگانه سجده منما.» حالا من غالباً فکر می‌کنم واعظان احساس می‌کنند که باید به دنبال گناهان قلبی باشند، چون مردم آشکارا گناه نمی‌کنند. خُب، اسرائیل همیشه آشکارا گناه می‌کرد.

لازم نیست به دنبال گناهان مخفی قلبشون باشید. اینجا از خدا سرپیچی می‌کنند، خدا رو انکار می‌کنند، به کلامش، مطابق دستوراتش گوش نمی‌کنند. می‌دونید، خدا به طرز قدرتمندی اینو ابراز می‌کنه. آیه‌ی ۱۲: «پس ایشان را به سختی دلشان ترک

کردم که به مشورت‌های خود سلوک نمایند.» این چه محکومیت وحشتناکی هست. «باشه، کار خودت رو بکن. کار خودت رو انجام بده.» شاید والدین یادشون باشه که ما هرچند وقت یکبار به فرزندانمون می‌گیم: «باشه، اون طوری انجام بده»، با این آگاهی که چیزی جز رنج و خرابی به همراه نخواهد داشت. اینجا خدا اینو می‌گه، «آیا واقعاً می‌خوای به روش خودت این کار رو انجام بدی؟»

«آیا واقعاً فکر می‌کنی حکمت تو بهتر از حکمت منه؟» خدا اینجا اینو می‌گه. این همیشه باعث می‌شه به متن کتاب پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ فکر کنم. جالبه که کتاب پرسش و پاسخ‌های هایدلبرگ در تفصیل فرمان دوم درباره‌ی ساخت بُت‌ها می‌گه ما نباید از خدا حکیم‌تر باشیم. این یه عبارت خیلی خوبه؛ ما نباید حکیم‌تر از خدا باشیم. حالا ظاهراً، مشخصه که می‌دونید ما نمی‌تونیم حکیم‌تر از خدا باشیم. ما اینو می‌دونیم، اما چیزی که در این مزمور می‌بینیم، تمایل مکرر انسان، حتی قوم خدا، اینه که فکر کنیم می‌تونیم راه‌های خدا رو بهبود بخشیم. خدا در این مورد شکایت می‌کنه، خدا از این موضوع ناراحته.

پس نه‌تنها کلام رهایی و هدایت‌کننده رو داریم، بلکه کلام نابودی رو هم داریم. من خیلی روی این مسائل کار کردم، پس می‌خوام بهشون توجه کنید. او در این مزمور، هشدار بزرگی می‌ده. آیه‌ی ۱۴، «آنگاه دشمنان ایشان را به‌زودی به زیر می‌انداختم و دست خود را بر خصمان ایشان برمی‌گردانیدم.»

آنانی که از خداوند نفرت دارند بدو گردن می‌نهادند. اما زمان ایشان باقی می‌بود تا ابدالاباد.» این نشون می‌ده که این مسائل چقدر جدی هستند. خداوند می‌گه داوری میاد و همه‌ی این مشکلات بر اون‌ها نازل شده، چون گوش نکردند؛ نگاه کن و ببین که به اون‌ها یادآوری شده که این یه مشکل جدیدی نیست. آیه‌ی ۷: «در تنگی استعدا نمودی و تو را خلاصی دادم. در ستر رعد، تو را اجابت کردم و تو را نزد آب مریبه امتحان نمودم.» ما به خروج ۱۷ برمی‌گردیم. به غُرْغُر و شکایت برمی‌گردیم.

به این برمی‌گردیم که نمی‌دونیم آیا خدا واقعاً با ماست یا نیست. خدا می‌گه، «چه مشکلی در مریبه بود؟ شما گوش نکردید. از کلام من پیروی نکردید. کلام من رو باور نکردید.» پس این مزمور، هشدار می‌ده، گوش ندادن به کلام رهایی‌بخش خدا؛ یادتونه خدا چطوری اون‌ها رو رهایی داد، گوش ندادن به کلام هدایت‌کننده‌ی او و پرستش او به طریقی که ازشون خواسته شده بود، نترسیدن از نابودی که خدا در موردش صحبت کرده بود. اون‌ها خراب‌کاری کردند و کل این شرایط، ناامیدکننده‌آس و این مرکز کتاب مقدسه.

اما ما به این اعتقاد نداریم، درسته؟ خُب، می‌تونیم اینو اصلاح کنیم. نه، نمی‌تونیم اصلاحش کنیم. این خراب شده. شما گوش نکردید، گوش نمی‌کنید، گوش نخواهید کرد، شما باید گوش کنید. پس باید فقط مکث کنیم، این‌طور نیست؟ ادامه دادن چه اهمیتی داره؟

حُب، همیشه باید مزامیر رو در زمینه‌شون بخونیم؛ زمینه‌ی مزمور ۸۱ چیه؟ مزمور ۸۰؛ و مزمور ۸۰، یک دعاست. دعا برای چی؟ دعا برای رهایی. دعا برای عملِ خدا. دعا برای اینکه خدا احیا کُنه. خدا چطوری عمل می‌کُنه و احیا می‌کُنه؟ «رجوع کن»، آیه‌ی ۱۴، «ای خدای لشکرها رجوع کرده، از آسمان نظر کن و ببین و از این مَوُ تفقد نما و از این نهالی که دست راست تو غرس کرده است و از آن پسری که برای خویشتن قوی ساخته‌ای!» حالا وقتی اینو می‌خونیم، ظاهراً شاید اسرائیل، اون پسری هست که اینجا در نظر گرفته شده.

اما بعد کمی جلوتر رو می‌خونیم، آیه‌ی ۱۷: «دست تو بر مرد دست راست تو باشد و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساخته‌ای.» اسرائیل به رهایی‌دهنده نیاز داره. اسرائیل به پسر انسان نیاز داره. اسرائیل به خدا نیاز داره که بلند بشه و در ناامیدی‌شون، نجات‌دهنده‌ای رو براشون مهیا کنه. حالا در مقدمه‌ی درس‌هامون گفتیم کتاب مزامیر، پُر از عیساست. من در مدت کوتاهی که داشتیم، متوجه شدم که چیز زیادی درباره‌ی عیسی نگفتم. در هر یک از این مزامیر می‌تونیم به عقب نگاه کنیم و عیسی رو ببینیم. اما اینجا عیسی رو با قدرت خاصی می‌بینیم که در وسط کتاب مزامیره، چون ویژگی عیسی که بارها در عهدجدید به‌طور برجسته نمایان شده، چیه؟

او به خدا گوش داد. «این است پسر حبیب من که از او خشنودم.» چرا پدر از پسر خشنوده؟ چون او به همه‌ی حرف‌هاش گوش داد. او کلام رهایی رو درک می‌کُنه، از کلام هدایت‌کننده پیروی می‌کُنه و کلام نابودی رو می‌پذیره. عیسی، پسری هست که می‌تونه رهایی بده، چون به همه‌ی حرف‌ها گوش می‌کُنه و باور می‌کُنه و می‌پذیره.

وقتی ابلیس در بیابان به‌سراغ عیسی رفت، پاسخ عیسی به ابلیس که گفت سنگ رو به نان تبدیل کن، چی بود؟ او گفت، «انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.» عیسی این‌طوری زندگی کرد. این‌طوری کُل زندگی‌اش رو اداره کرد. به همین دلیل او رهایی‌دهنده‌آس.

جالبه که وقتی مزمور ۸۱ به مشکلات اسرائیل می‌پردازه، می‌تونیم بگیریم اسرائیل سه تا مشکل داره. مشکل غذا داره، به آیه‌ی ۱۰ نگاه کنید: «من بیهوه خدای تو هستم که تو را از زمین مصر برآوردم. دهان خود را نیکو باز کن و آن را پُر خواهیم ساخت.» یا به آیه‌ی ۱۶ نگاه کنید: «ایشان را به نیکوترین گندم می‌پرورد؛ و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم.»

مردم به تقویت جسمانی و روحانی نیاز دارند؛ اسرائیل با مشکل غذا مواجه شده. اسرائیل با مشکل قدرت مواجه شده. خدا باید اون‌ها رو از سرزمین مصر خارج کُنه، آیه‌ی ۱۰ یا آیه‌ی ۱۴، «آنگاه دشمنان ایشان را به‌زودی به زیر می‌انداختم؛ قدرت برای غلبه بر دشمن. اسرائیل با مشکل پرستش مواجه شده. ما به آیات ۲-۴ و ۹ نگاه کردیم؛ ما پرستش رو می‌بینیم.

اگر به مزمور ۷۸ نگاه کنیم، به تفکر زیاد بر تاریخ اسرائیل در بیابان؛ جایی که مکرراً شکست خوردند، متوجه می‌شید که اسرائیل با وسوسه‌ی غذا مواجه شد و بعد با وسوسه‌ی قدرت مواجه شد و بعد با وسوسه‌ی پرستش مواجه شد. اسرائیل در همه‌ی این‌ها شکست خورد. بعد به عهدجدید می‌رسیم، این‌طور نیست؟ عیسی در بیابان با چه وسوسه‌هایی مواجه شد.

او با وسوسه‌ی غذا و قدرت مواجه شد: «خود را از کنگره‌ی هیکل به زیر انداز» و با وسوسه‌ی پرستش مواجه شد، «تعظیم کن و مرا پرستش کن.» اسرائیل در این وسوسه‌ها شکست خورد، اما عیسی غلبه کرد. عیسی وفادار بود. عیسی به کلام خدا گوش کرد، نه به کلام ابلیس. پس اینجا واقعاً سرنخ‌های عهدعتیق و عهدجدید رو می‌بینیم که در کنار هم قرار می‌گیرند و به ما یادآوری می‌کنند که عیسی، سال جدید و شروع تازه برای قومش. عیسی، کفاره‌ی قومش، اون‌ها رو از گناهشون رهایی می‌ده. عیسی، عید خیمه‌های قومش، چون در بیابان بهشون پناه می‌ده و آزشون محافظت می‌کنه.

ما می‌بینیم که چطور همه‌ی آماده‌سازی‌های خدا در تاریخ اسرائیل، در تأسیس اسرائیل و نشانه‌های اسرائیل، در عیسی گردآوری می‌شه تا هویت عیسی رو روشن کنه و به ما کمک کنه که او رو درک کنیم؛ اما مخصوصاً به ما کمک می‌کنه که او رو پرستش کنیم، چون او مرد دست راست خداست. او گوش داد، وقتی ما گوش ندادیم. او ما رو رهایی می‌ده. حالا، اینجا نکته این نیست که ما دیگه نباید گوش کنیم، چون عیسی به جای ما گوش داد. نه، ما فراخوانده شدیم که گوش کنیم و وفادار باشیم.

اما خوشحالیم که می‌دونیم، ما هم یه قوم گناه‌کاریم، ما نجات‌دهنده‌ای داریم که کاملاً ما رو از گناهانمون نجات می‌ده. پس امروز در خاتمه، باید تشویق و دلگرم بشیم که می‌بینیم کل چرخه‌ی تاریخ بشر به این نقطه می‌رسه که وقتی ما گوش نمی‌دیم، عیسی گوش داد و قومی رو برای نام خدا رهایی داد. ممنونم.